

روایت سفر آموزگار محله الهیه به میناب  
در روزهای آتش و جنگ

## ستاره‌ها به آسمان رفتند



فاطمه سیرجانی | پرچسب نام مهدی زائری نیا به سختی روی خط‌کش خاک‌گرفته خوانده می‌شود. برگه‌های کارورزی و نقاشی بارانا چون در پوشه بوده سالم مانده. اما نقاشی امیرمحمد بوستانی، رنگ‌ورورفته، مجاله و به‌گل نشسته است. مداد شمعی دوازده تایی علی جداوی فقط رنگ زردش سر جایش هست. یک پرچم مثلی رنگ‌ورورفته و یک لنگه کفش، کفشی پاره و خاک‌خورده و چند قطره خون روی آن، بخشی از جامانده‌های دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه میناب است؛ یادگاری‌هایی که علی جعفری، معلمی از اهالی محله الهیه، با حضور در میناب، با خود آورده است. او که به عنوان مستندساز و تصویرگر به همراه گروه جهادی، سفر دوروزه‌ای به میناب داشته، با چندتن از خانواده‌های این شهدا به گفت‌وگو نشسته و مستندی از نخستین روزهای وضعیت این مدرسه پس از موشک‌باران تهیه کرده است. گزارش پیش‌رو روایتی از سفر دوروزه معلم محله ما به شهر میناب است و آنچه او دیده، دل‌هرانسانی را خون می‌کند.



تصویر علی جعفری از مدرسه شجره طیبه میناب

### واقعیت مدرسه میناب

او و هم‌راهانش بعد ورود به میناب در مکانی که از طرف کمیته امداد آن شهر برای اسکان گروه‌های جهادی در نظر گرفته شده بود،

اسکان داده می‌شوند. جعفری تعریف می‌کند: مسیر مشهد تا میناب حدود ۱۴۰ کیلومتر است. بعد هجده ساعت رانندگی، ساعتی از افطار گذشته بود که به خوابگاه رسیدیم. هنوز کامل مستقر نشده بودیم که شنیدیم رئیس آموزش و پرورش میناب با چند نفر دیگر قرار است برای تسلیت‌گویی به خانه سه شهید از شهدای دانش‌آموز بروند. ما هم با آن‌ها همراه شدیم تا شروع مأموریت‌مان در منزل شهید باشد.

او نیز تا قبل رفتن به میناب و دیدن و شنیدن با چشمان و گوش‌های خود، تصورش از مدرسه شجره طیبه، این بود که آن محدوده منطقه‌ای نظامی و مدرسه‌ای برای فرزندان نظامیان شهر است. فکر می‌کرد مدرسه‌ای غیرانتفاعی است نزدیک به محل استقرار نظامیان که به اشتباه مورد هدف قرار گرفته است. اما بعد حضور در شهر و گفت‌وگو با خانواده شهدا و دیدن فضای مدرسه از نزدیک، واقعیت‌هایی برایش روشن می‌شود؛ اینکه اکثر دانش‌آموزان آن مدرسه از خانواده‌های غیرنظامی بوده‌اند که از نقاط مختلف شهر و حتی از روستاهای دور و نزدیک برای تحصیل به آنجا می‌آمدند.

او تعریف می‌کند: آن شب پایه‌هایی گذاشتیم در محدوده روستایی با حداقل امکانات. پدر و پدربزرگ دوتا از این دانش‌آموزان شهید که خاله و خواهرزاده بودند، فرهنگی بودند و پدران یکی شغل آزاد داشت. آنجا بود که شنیدیم آن مدرسه، فقط سازنده‌اش سپاه بوده است و بیشتر دانش‌آموزان از خانواده‌های کارگر و طبقه متوسط آنجا درس می‌خواندند.

و آهن خرد شود؟

او در روز حادثه، با دیدن تصاویر مادران داغ‌داری که لا به لای پاره‌آجرها، ضجه زنان به دنبال جگرگوشه‌هایشان می‌گشتند، بلند شد و تلفن را برداشت تا با عباس، دوست و همکار جهادگرش، تماس بگیرد. او از همکاریش خواست هر برنامه و اردویی جهادی به میناب داشتند، روی کمک او حساب کنند.

### حسرت بردل مانده

با تمام اما و اگرها برای حضور در محدوده جنگی، علی آقا چند روز بعد از حادثه، موفق به همراهی با گروه جهادی می‌شود؛

گروهی که از طرف جهاد سازندگی استان خراسان برای برآورد خسارات و مقدماتی برای ساخت مدرسه شجره طیبه راهی میناب شده بودند. در طول مسیر، رادیو خودرو روشن بود و آن‌ها اخبار لحظه به لحظه جنگ را دنبال می‌کردند؛ اخبار حملات به تهران، قم و شیراز، خبر موشک‌باران و شهادت مظلومانه هم و طنان بی‌گناه. اما در کنار همه خبرهای داغ، هنوز بمباران مدرسه میناب و شهادت دانش‌آموزان و معلمان آن مدرسه، بر دل آقا معلم سنگینی می‌کرد و تلخ‌ترین خبر آن روزها بود.

او گاه در اخبار داخلی جست‌وجویی می‌کرد و نگاهش به روی عکس بچه‌های معصومی خیره می‌ماند که حالا کنار نامشان واژه شهید نشسته است. ویدئوهای روز تشییع پیکرها و خاک‌سپاری را که نگاه می‌کرد، در دلش حسرت‌ها بود که کاش جای معلمان شهید مدرسه شجره طیبه، تسلی‌بخش دل‌پدران و مادران داغ‌دار بود.

### جهاد به سمت میناب

وقتی علی آقا، خبر بمباران مدرسه‌ای در میناب را شنید، مثل همه ما دلش به غم نشست. بمب‌های آمریکایی صهیونیستی

فقط آوار را بر سر بچه‌های میناب نریخت، بلکه غم و درد را بر وجود همه، به ویژه آقا معلم منطقه ما جاری کرد. او که تجربه کار با بچه‌ها را داشت، به یک باره تصویر پرشماری از بچه‌ها را پیش چشمان خود دید. علی جعفری تعریف می‌کند: حتی تصور این اتفاق هم ویران‌کننده بود. زدن موشک آن هم روی سر بچه‌های معصومی که در نیای خودشان هستند و درکی از مفهوم جنگ ندارند، اوج نامردی و وحشیگری است. بچه‌های معصومی که دنیایشان دنیای پاکی و سفیدی است. به تاوان کدام گناه باید سقف کلاس درس بر سرشان آوار و استخوان‌های نحیفشان زیر آجر

